



چگونگی اسلام‌پذیری ایرانیان

هومر آبرامیان

اینترنت

چکیده: آن چه که نویسنده مقاله مطرح می‌کند این است که: ۱. بر اساس تعالیم زرتشت دوستی خود را نسبت به همه جهانیان اعلام می‌کند و دشمنی خود را تنها با تعالیمی می‌داند که از ۱۴۰۰ سال قبل تاکنون، ایرانیان را به بند کشیده است؛ ۲. با نقل قول نویسندگانی که به نحوی ورود مسلمانان به ایران را برای ایرانیان مفید دانسته‌اند آنان را مورد اهانت قرار می‌دهد و مطالبشان را به تمسخر می‌گیرد؛ ۳. ایرانیان را دارای فرهنگ و تمدن بزرگ می‌داند که مسلمانان با ورود خود به ایران با تخریب بناها، آتش زدن کتاب‌ها و کتابخانه‌ها و ریشه کنی زبان پهلوی آن را محو کرده‌اند؛ ۴. او می‌گوید: در همه مناطق ایران، مسلمانان با مقاومت ملت ایران روبرو شدند؛ اما متأسفانه قدرت زیاد مسلمانان، آنان را وادار به تسلیم کرد و با شمشیر اسلام را به آنان تحمیل کردند.

اظهار دشمنی با اسلام

ما بر پایه آموزش‌های زرتشت پاک، که آموزگار و راهبر ماست؛ هر ملتی را تکه‌ای از هستی این جهان می‌شناسیم و همه جهان را دوست می‌داریم... جنگ بی‌امان ما با دژ منشی‌ها و دژ اندیشی‌هاست نه با مردم؛ ما با خرافاتی که ۱۴۰۰ سال است پر و بال اندیشه ایرانی را به بند کشیده می‌جنگیم نه عرب زبانان....

گسترش اسلام با خشونت

حضرت محمد ﷺ ضمن استفاده از شیوه... و دامن زدن به کشمکش‌های قبایل عربی؛ در

بازتاب اندیشه ۶۸

۷۶

چگونگی
اسلام‌پذیری
ایرانیان

استقرار اسلام؛ خصوصاً از شمشیر و خشونت، کسانی مانند خالد بن ولید، استفاده کرد. خالد از پهلوانان معروف قریش بود، که قبل از فتح مکه، اسلام پذیرفت و حضرت محمد ﷺ از مسلمان شدن او بسیار شادمان گردید.

به کار بردن قهر و خشونت در مسلمان سازی قبایل عربستان، اگر چه کار ساز بود، اما مرگ حضرت محمد ﷺ و درگیری ها و کشمکش های موجود برای جانشینی او، به قبایل عربستان فرصت داد تا اعتراض و انزجار خود را از اسلام ابراز نماید. ابوبکر در سرکوب قبایل مرتد، بیش از هر چیز از شمشیر سردارانی چون خالد بن ولید استفاده کرد. خالد در قبایل و ولایات عربستان، عاملین قتل نمایندگان پیغمبر را کشت و اجسادشان را به آتش کشید... [این است] نمونه باشکوهی از معنویت اسلام!!

یورش به ایران

از داده های تاریخ چنین برمی آید که، پیامبر اسلام از دیرباز در اندیشه لشکرکشی به سرزمین های ایران و روم بود... در زمان ابوبکر به ویژه عمر، پس از سرکوب شورش های ارتداد عرب، آرامشی نسبی پدید آمد و از سوی دیگر، خشکسالی پیایی و فقر همگانی اعراب سبب گردید که، جانشینان محمد ﷺ برای دست یابی به دارشاهی ملت های توانگر، و گسترش فرمانروایی اسلامی جنگهای گسترده ای را تدارک بینند...

... و چنین شد که سرانجام تازیان بیابانگرد بی فرهنگ، برای بدست آوردن زر و برده و زن؛ به نیاخاک اهورایی مایورش آوردند و همه ارزش های فرهنگی ما را نابود کردند... اعراب صدر اسلام طوری نسبت به کتاب بدون علاقه بودند که چند کتابخانه بزرگ آن زمان را بعد از غلبه بر کشورهای که کتابخانه در آنجا بود سوزانیدند.

اینک بد نیست نگاهی داشته باشیم به نادیده گرفتن مبارزات و پایداری ایرانیان در برابر این افعی زادگان اهرمن خو... در همه شهرها و ولایات ایران، اعراب مسلمان با مقاومت های سخت مردم روبرو شدند. در اکثر شهرها، پایداری و مقاومت ایرانیان سرکوب گردید...

از آنچه گذشت بیهودگی سخن تازی پرستان ایران ستیزی را که می خواهند به ما بیاوراند که ایرانیان با شنیدن فراخوان مسلمانان، به معنویت اسلام پی بردند و صادقانه آن را پذیرفتند... آشکار می شود.

● اشاره

گوینده با توهین و بدون رعایت آداب گفت‌وگو و بحث علمی، با گزینش و تقطیع مطالب نویسندگان تلاش می‌کند احساسات عده‌ای را بر ضد اسلام تحریک کند. ثانیاً مطالبی که وی مطرح کرده بدون استثنا تکراری است. این ایرادات را، دهها سال قبل همفکرانش مطرح کرده‌اند و پاسخ شنیده‌اند. مباحث مستدل و مستند شهید مطهری (ره) در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران دقیقاً ناظر به این نوع اشکالات است.

۲. این از بدیهیات تاریخی است که، گسترش اسلام در حجاز یعنی مدینه و مکه بدون خون‌ریزی بوده است. اهل مدینه (انصار) از پیامبر ﷺ استقبال کردند و مهاجران را پذیرا شدند و مکه بدون کشته شدن حتی یک نفر فتح گردید. و این نیز از مسلمانات اسلام است که پیامبر اکرم ﷺ مأمور بود با حکمت و اندرز مردم را به اسلام دعوت کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ و اساساً در دعوت به یک ایده و ایمان که امری قلبی است، زور و خشونت کاربرد ندارد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»^۲

از این رو، چهارده سال نخست بعثت پیامبر ﷺ بدون جنگ و صرفاً با گفت‌وگو سپری شد حتی در مواردی که مسلمانان مورد شکنجه و ظلم قریش قرار می‌گرفتند، اجازه دفاع از خویش نداشتند. اولین جنگ، یعنی جنگ بدر، برای گرفتن اموال کاروان تجاری قریش بود، که مسلمانان می‌خواستند خسارت‌های مالی گذشته را که از قریش دیده بودند، بدین وسیله جبران کنند. و جنگ اُحد برای دفاع از مدینه انجام گرفت و دیگر جنگ‌های پیامبر ﷺ نیز دفاع از حقوق مسلمانان یا دفاع از حقوق انسانیت بوده است.^۳

۳. اعتراض مردم بعد از رحلت پیامبر ﷺ عمدتاً به عدم پذیرش خلیفه منتخب بازمی‌گردد نه به اسلام. و بسیاری از کسانی که در جنگ‌های معروف به «رد» کشته شدند مسلمانانی بودند که، از پرداخت زکات سرباز زدند. آنان از این که علیؑ به عنوان خلیفه مطرح نشده بود، اعتراض داشتند. و کارهایی که خالد بن ولید و دیگران در این جنگ‌ها انجام دادند نباید به حساب اسلام گذاشت.^۴

۴. ایران در روزگار ساسانیان حدود ۱۴۰ میلیون جمعیت و ارتش فراوانی داشت. از نظر اسلحه و فنون نظامی به مراتب قوی‌تر از اعراب مسلمان بود. تمام سربازان اسلام در جنگ با ایران به ۶۰ هزار نفر نمی‌رسید. به تعبیر شهید مطهری وضع به گونه‌ای بود که اگر

بازتاب اندیشه ۶۸
۷۸
چگونگی
اسلام‌پذیری
ایرانیان

۱. نحل، ۱۶: ۱۲۵

۲. بقره، ۲: ۲۵۶

۳. بنگرید به: محمدتقی مصباح یزدی، جنگ و جهاد در قرآن، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی،

۱۳۸۴

۴. بنگرید به: علی غلامی دمقی، جنگ از تداوم و بحران‌های جانشینی پیامبر ﷺ، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲

ایرانیان عقب نشینی می‌کردند این جمعیت در میان مردم ایران گم می‌شدند. با این حال در قادسیه از مسلمانان شکست خوردند و تیسفون و مدائن تصرف شد و امپراطوری ایران فروپاشید. از این رو راز این شکست را باید در عوامل دیگری جست‌وجو کرد. همانطور که مورخان گفته‌اند، مهم‌ترین عامل شکست حکومت ساسانی را، باید در ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت، آیین و رسوم اجحاف‌آمیز آن زمان و تعالیم نجات بخش اسلام دانست.^۱

در هر حال بعد از فتح ایران، مسلمانان هیچ کس را به زور شمشیر و ادا به پذیرش اسلام نکردند، چه این‌که آتشکده‌های زرتشتیان تا سالهای سال بعد از فتح ایران نیز روشن بود. چنان‌که قبلاً نیز گفته شد، این کار با تعالیم اسلام سازگاری ندارد و ایمان را نمی‌توان به زور سرنیزه بر قلب کسی وارد کرد.

۵. نویسنده از فرهنگ و تمدن بزرگ و کتابخانه‌های متعدد در ایرن یاد کرده که، توسط مسلمانان نابود شده است؛ اما هیچ آدرس نمی‌دهد این کتابخانه‌ها در کجا بوده‌اند و عالمان و فرهیخته‌گان این دوره چه نام داشته‌اند و چه کتاب‌هایی توسط مسلمانان سوخته است.

در اینجا مناسب است مطلب را با بیان استاد مصطفی ملکیان پی‌گیریم. او می‌گوید: یکی از بزرگترین دروغ‌هایی که ما به تاریخ گفته‌ایم این است که، ما فرهنگ و تمدن عظیمی داشته‌ایم، مگر فرهنگ و تمدن مدرک می‌خواهد؛ اگر یونانی‌ها یک کتاب از افلاطون یا از ارسطو و یا... نداشتند بنای پانتئون، و معماری‌های عظیم را نیز نداشتند و بعد می‌گفتند که ما یونانی‌ها فرهنگی نداشتیم که نمی‌دانید چه عظمتی داشت و آب از لب و دهان همه ما هم راه می‌افتاد، ما انصافاً به آنها نمی‌گفتیم هر چیزی مدرک می‌خواهد؟ انصافاً شما از آن چیزی که در قلمروی ایران می‌بینید، غیر از تعدادی بنا که آنها را نیز همه مورخان گفته‌اند که رومی‌ها برای ما ساخته‌اند مانند تخت جمشید که مورخان گفته‌اند هخامنشیان تعدادی مهندسان و معماران رومی را آوردند و برای ما اینها را ساختند. اگر اینها را بگذارید - کنار شما یک اثر فلسفی، یک اثر دینی بلند، یک اثر هنری و یا عرفانی نشان بدهید. ممکن است عده‌ای بگویند همه اینها سوخته است ولی این را باید نشان بدهد کسی که می‌گوید ما داشته‌ایم، یک پزشک تراز اول ماقبل از اسلام داشته‌ایم؟ ما یک فیلسوف تراز اول قبل از اسلام داشته‌ایم، یک هنرمند تراز اول.... ما تمام چیزی که از قبل از اسلام داشته‌ایم سه چیز است. یکی تخت جمشید و معمارهایی که در آن قسمت وجود دارد که آن را هم همه مورخان گفته‌اند که رومیان ساختند که حالا فرض کنیم ایرانی‌ها ساخته‌اند. یک مانی

۱. بنگرید به: ادوراد براون، تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۹۵ - ۳۰۰؛ صاحب‌الزمانی، دیباچه‌ای بر رهبری؛

مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۹۰-۱۲۵

نقاش داریم که آن هم نقاشی‌هایش باقی نمانده ولی به تواتر رسیده‌ایم که نقاش بزرگی بوده و ما او را پیامبر نیز تلقی می‌کنیم و یکی هم دانشگاه جندی شاپور (یا به تعبیر درست‌تر جندی شاپور) که می‌گفتند در آنجا رشته پزشکی خیلی قوی بوده است. البته این را هم می‌دانید که وقتی مسیحیان مورد حمله واقع شدند، به طرف شرق عقب‌نشینی کردند و آمدند و جندی شاپور را ساختند و... حالا اینها را شما با یونان مقایسه کنید، ما صد ورق نوشته نداریم که با فرهنگ یونان قابل مقایسه باشد حتی پنج ورق نیز نداریم.^۱



۱. آیینۀ اندیشه، تجددگرایی ایرانی، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۱